گفت‌وگو با حسین دهباشی که پیش از این ۲ بار طی مستندنگاری‌هایش در آمریکا بازداشت شده است

ردپای اوباما در بازداشت مرضیه هاشمی

این تاریخ‌پژوه معتقد است دستگیری مرضیه هاشمی براساس قوانینی است که بوش پسر تدوین و اوباما اجرایش کرد

محمدصادق علیزاده صابر محمدی

فرهنگ و هنر

حالا چند روزی از بازداشت مرضیه هاشمی، خبرنگار و مجری شبکه پرس‌تی‌وی در آمریکا می‌گذرد، بی‌آن‌که به صورت رسمی تفهیم اتهام شده باشد؛ این، نخستین باری نیست که خبرنگاری مرتبط با یکی از کشورهای زاویه‌دار با ایالات متحده به حبس می‌رود بی‌آن‌که بداند برای چه راهی زندان شده است. روایت‌هایی هم که از شیوه بازداشت و رفتار در زندان با او منتشر شده، باز هم نشان‌دهنده سویه‌های غیرانسانی ماجراست. پیش از این در جام جم، گزارش مفصلی درباره فعالیت‌های هاشمی نوشتیم و این بار از خبرنگاری سراغ گرفته‌ایم که دو بار پیش از این در آمریکا طعم بازداشت را چشیده است؛ حسین دهباشی که او را با فعالیت‌های رسانه‌ای‌اش به‌خصوص به خاطر گفت‌وگوهای گاه جنجالی‌اش طی پروژه تهیه و تدوین مجموعه تاریخ شفاهی و تصویری ایران معاصر می‌شناسیم. دهباشی، یك بار سال ۱۳۷۹ در فرودگاهی در آمریکا و در حالی که دست و پایش به غل و زنجیر کشیده شد بازداشت شده و بار دیگر ده سال بعد وقتی برای تهیه گزارش‌ها و مصاحبه‌هایی به آنجا رفته بوده. گفت‌وگو را در روزی انجام دادیم که حکم چهار ماه حبس او با شکایت وزیر سابق بهداشت صادر شده بود. روایت او از روزهای بازداشت و شیوه‌های امنیتی برخورد با خبرنگاران دیگر کشورها در آمریکا خواندنی است؛ او معتقد است مهم‌ترین مشکل آمریکایی‌ها با خبرنگاران کشورهای دیگر و به‌خصوص کشورهایی که با آمریکا میانه‌ای ندارند، این است که آنها می‌خواهند تصویری از ایالات متحده به جهان ارائه دهند که متناسب با تصویر مطلوب اهالی ینگه دنیا نیست.

حالا پس از گذشت هشت سال از دومین بازداشت‌تان در آمریکا، بالاخره متوجه شده‌اید ماجرا چه بود؟

نه. البته ظاهر ماجرا اعلام شد و باطنش را هم تقریبا حدس زدم. چون بعد از پس گرفتن اتهام اولیه و اعلام تبرئه از سوی دادستانی آمریکا که بهانه‌ای درخصوص مدارك اقامتی من بود، بلافاصله من با مجموعه پرسش‌هایی در بازجویی‌ها مواجه شدم که دایره موضوعات آنها بسیار متنوع بود و گویا تعمدا نمی‌خواستند ما کاملا متوجه شویم منظور اصلی آنها چه بوده است. علی‌ای‌حال علت طولانی شدن مدت بازداشت من در ذیل بحث نگرانی‌های امنیتی آمریکا در حوزه اطلاع‌رسانی بود.

بیشتر توضیح می‌دهید؟

ببینید. کشورها به روش‌های مختلف از منافع ملی خود صیانت می‌کنند. برای این صیانت هم یا از روش‌های امنیتی و نظامی بهره می‌برند یا از روش اقتصادی. مثلا تحریم می‌کنند یا مانع ارتباط اقتصادی دیگر کشورها می‌شوند. یکی از راه‌های دیگر صیانت از تصویری است که از کشور در بیرون از مرزها ترسیم می‌شود. این را آمریکایی‌ها می‌گویند. image building. ایالات متحده برخلاف ظاهری که از خود ساخته و مبتنی بر فضای آزاد ارتباطات است، کاملا به صورت بسته عمل کرده و این تصویر برایش مساله‌ای ناموسی است. آنها به‌شدت مراقبت می‌کنند از این‌که چه تصویری در دنیا از آمریکا ارائه می‌شود و این را مدیریت می‌کنند. خب، من هم رفته بودم آنجا و یکی از کارهایم تولید مجموعه‌ای بود برای پرس تی‌وی با عنوان «اسلام در آمریکا». مجموعه تاریخ شفاهی را هم که در آنجا دنبال می‌کردم از زمانی مساله‌دار شد که سپهبد آذربرزین (جانشین فرماندهی نیروی هوایی رژیم گذشته) هم که یکی از گفت‌وگوکننده‌های ما بود، در مقاطعی بحث‌ها را به سمت بخش‌های مساله‌دار روابط نظامی ایران و آمریکا در سال‌های قبل از انقلاب می‌برد. لذا به‌تدریج آمریکایی‌ها احساس کردند مسیری که ما در ترسیم تصویر آمریکا طی می‌کنیم، مسیر تحت کنترلی برای آنها نیست.

از حرف‌هایتان این طور برمی‌آید که گویی اگر خودتان را جای آنها بگذارید حتی حق می‌دهید از کار امثال شما جلوگیری شود. دست کم این طور به نظر می‌رسد رفتار آنها با شما برایتان کاملا قابل پیش‌بینی بوده است.

اصلا موافق نیستم. البته در شرایطی که فشارها از یك حد قابل تحمل گذشته بود اگر به سابقه این بگیر و ببندها نگاه می‌کردم دست‌کم می‌توانستم حدس بزنم. الان می‌توانم تحلیل کنم و بگویم کجای راه را به شکلی غیرمترقبه طی کرده‌ام؛ در واقع موضع ضد استکباری من، اسیر کلیشه مسلطی بود که آمریکایی‌ها ذیل گفتمان جریان آزاد در آمریکا ساخته بودند. البته این گفتمان را صرفا جاری در تئوری می‌دانستم، اما این کلیشه آن‌قدر پررنگ بود که من فکر می‌کردم خب ما که کاری انجام نمی‌دهیم و هر کاری کنیم می‌تواند ذیل همین گفتمان جریان آزاد تعبیر شود. یکی دیگر از کلیشه‌ها که برای ما ساخته‌اند این است که آمریکایی‌ها در سیستم حقوقی‌شان کار بیهوده و ناعادلانه‌ای انجام نمی‌دهند. آن‌قدر در مسلط‌کردن این کلیشه موفق بوده‌اند که کمتر کسی باور می‌کند کسی در آمریکا قربانی پاپوش درست‌کردن شود. حالا در نظر بگیرید اگر در ایران، یك نفر کارگر می‌گوید شکنجه شده است، پیش‌فرض ما حتی پیش از انتشار اسناد و نتیجه تحقیقات این است که کارگر درست می‌گوید نه قوه قضاییه. چرا؟ چون صرف‌نظر از این‌که در واقعیت این تصویر چقدر تناسب با واقعیت دارد، ما نتوانسته‌ایم تصویری را که آمریکا برای سیستم قضایی‌اش ساخته بسازیم. در آمریکا این تصویر کنترل شده است.

یعنی حالا هم که مرضیه هاشمی بازداشت شده، همین کلیشه کار خودش را می‌کند؟

بله، حالا هم همین است. ایشان خبرنگار پرس تی‌وی، رسانه بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران است. آنها حالا ما را به صبوری دعوت می‌کنند و می‌گویند مطمئن باشید بیهوده صورت نگرفته است و بگذارید تحقیقات انجام و نتیجه اعلام شود. در نظر بگیرید این کلیشه در حالی هنوز کار خودش را می‌کند که ما سابقه برخوردهای کاملا غیرعادلانه آنها با ایرانی‌ها را هم در خاطر داریم؛ اگر خاطرتان باشد موردی داشتیم که اتومبیل‌فروش ساده‌دلی بدون سند متهم شده بود به برنامه‌ریزی برای ترور سفیر عربستان و سفیر اسرائیل در واشنگتن. اینها را دیده‌ایم، اما باز آن کلیشه آن‌قدر پررنگ است و رسانه‌های بین‌المللی هم آن‌قدر به آن دامن می‌زنند که گمان کنیم در قضیه هاشمی هم لابد اوست که گناهی مرتکب شده است.

فراتر از اینها بگذارید درباره این کلیشه به شما بگویم حتی پدر خود من، پدر تنی‌ام، وقتی پس از دستگیری در آمریکا آمدم به ایران، خودمانی از من پرسید تو آنجا واقعا چه کار کردی که گرفتنت؟! ببینید حتی او که پدرم بود تحت تاثیر این کلیشه‌ها گمان می‌کرد لابد من مقصر بوده‌ام و حقم بوده و در نهایت شاید آمریکایی‌ها در میزان گناهکاری‌ام اغراق کرده باشند نه در اصل قضیه.

شما گفته بودید طوری در بازجویی‌ها سوال می‌پرسند که متوجه نشوی اتهامت به کدام مورد مربوط است؛ مگر بر اساس قوانین، آمریکایی‌ها می‌توانند پیش از تفهیم اتهام بازجویی کنند؟

ببینید، ماده‌ای قانونی از زمان بوش به قوانین آمریکا افزوده شد که مطمئنم حالا هم خانم هاشمی به همین دلیل آنجا نگه داشته شده. در زمان بوش، وزارتخانه‌ای با نام میهن‌پرستی شکل گرفت و ماده قانونی‌اش این بود که در شرایط اضطراری، اگر متهمی دچار شائبه ارتباط با دولت‌های متخاصم باشد، از تمام مواد قانونی که می‌تواند از آنها استفاده کند، صرف نظر شود. بر اساس این قانون، وزارتخانه تشکیل شده است. خانم هاشمی مطابق قانون آمریکا ظرف ۲۴ ساعت باید تفهیم اتهام می‌شدند. چرا نشدند؟ مستند به همین قانون که پس از ۱۱ سپتامبر اجرا می‌شود. این در حالی است که در شرایط معمول طبق گفته شما در جریان بازداشت بازجو نمی‌تواند در موردی که نمی‌دانید از شما چیزی بپرسد. باید در حضور وکیل و در حوزه اتهام‌هایی که به شما تفهیم شده، باشد.

شما یك بار هم سال ۱۳۷۹ در فرودگاه بازداشت شدید و از آمریکا بازگردانده شدید که ظاهرا شکل توهین‌آمیزی هم داشت...

بله، البته آن مورد مربوط به مشکل ویزا بود. ۱۱ ساعت بازداشت بودم. اینها می‌گفتند ویزایی که شما داری ویزای خبرنگاری نیست. و نبود. من به سفارت آمریکا مراجعه کرده و گفته بودم برای کار خبرنگاری می‌خواهم بروم آمریکا. سفارت آمریکا ویزا را صادر کرده بود. من مسؤول نبودم که کد ویزایم را چك کنم و بدانم خبرنگاری نیست. اینها گفتند ویزایت ربطی به خبرنگاری ندارد. گفتم اگر اشکالی هست تقصیر خودتان است. می‌دانید که نگرش بخشی در آمریکا حاکم است. بر اساس همین نگرش گفتند اداره مرزبانی آمریکا از وزارت خارجه جداست و اگر آنها اشتباه کرده‌اند به ما ربطی ندارد و شما باید برگردی. اما نکته بعدی در شیوه بازگرداندن است. همه جای دنیا بازگرداندن داریم. به دست و پا زنجیرزدن چرا؟ این خیلی توهین‌آمیز بود. در همان مقطع، عین همین ماجرا برای جعفر پناهی هم اتفاق افتاد.

بعدها هم سفارت آمریکا اعلام کرد ما اشتباه کرده‌ایم و بیا ویزایت را بگیر. من دوباره رفتم آمریکا این بار برای دکترا. از این وقت تجسس‌هایشان در زندگی من آغاز شد. گفتند چندوقت یك بار باید منزلت را جست‌وجو کنیم.

بیشتر برای کنترل بود یا ارعاب؟

شاید ترکیبی از هر دو. یك بار در همان شرایط آقای قرقی که خبرنگار صدا و سیما در آمریکا بود به واشنگتن آمده بود و برای دو روز در هتل بود. در اتاق هتل بودیم، رفتیم بیرون و برگشتیم، دیدیم فیلم‌هایی که ایشان تهیه کرده بود و روی میز بود

ادامه در صفحه ۱۰

۸ سال پیش از مرضیه

گذشته؛ امضا

مرضیه هاشمی امروز جایی ایستاده که حسین دهباشی، هشت سال پیش ایستاده بود؛ منظورمان اعتبار و جایگاه نیست، بلکه جایی است که یک ساز و کار پیچیده امنیتی برای خبرنگاران خارجی در آمریکا تعیین کرده است؛ جایی که آنها ندانند برای چه جریم و کدام گناه باید بازداشت شوند. حسین دهباشی در گفت‌وگو با جام جم، از جند و چون این رفتار امنیتی گفته است.

یادداشت: فاطمه شهدوست

روزنامه نگار

اندر احوالات آداب

گالری گردی!

این روزها وقتی پایتان را در بعضی گالری‌ها می‌گذارید، ممکن است با جلوه‌های ویژه جالبی روبه‌رو شوید که از هر طرفی که نگاهش می‌کنید از آن سردر نیاورید.

درست همین جا و لحظه‌ای که درگیر آن اثر هستید، چشمتان به نفر کناریتان می‌افتد که با لبخند شیرینی به آن کار خیره شده و سرتکان می‌دهد.

در این شرایط ممکن است برای چند لحظه ناامید شوید و به خودتان یا قدرت درکتان از هنر شك کنید! اما نه، دست نگه دارید، چون رفتن به گالری‌ها (البته بعضی از آنها)، این روزها آداب و قوانین مخصوص به خودش را دارد.

توصیه ما به شما این است در چنین مواقعی که با نگاهی پر از سؤال و تعجب به اثری خیره شدید، خونسردیتان را حفظ کنید و اصلا نگران نشوید.

در این جا فقط کافی است تا مثل خیلی از به اصطلاح هنری‌ها چشم‌هایتان را کمی تنگ و به حالتی که انگار خیلی در آن اثر غرق شده‌اید درآورید؛ بعد هم با همان ژست تفکر چند قدم به سمت اثر رفته و با تبسم به آن برای لحظاتی زل بزنید، جوری که هر کسی چشمش به شما می‌افتد از حس و میزان فهم‌تان نسبت به آن اثر غبطه بخورد.

بعد هم که خالق آن کارها را دیدید با به به و چه چه از مفاهیم ریز و عمیق تخیلی بگویید که در زیر لایه‌های پنهان آن اثر به چشم می‌خورند.

بله، این بخشی از اصول گالری‌گردی است که باید در زمان ورود به بعضی از نمایشگاه‌ها و بازهم تأکید می‌کنم بعضی از گالری‌ها، آن را رعایت کنید تا شما را هم جزو خیل عظیم هنردوستان به حساب بیاورند! اما واقعا چرا؟ چه شد که هر کسی با هر کاری به اسم هنر مدرن پایش را در کفش هنر و هنرمندان کرد؟ این ماجرا داستان ادامه داری است که باعث شده تا هر روز بیشتر از گذشته با کارهای عجیب و غریبی مواجه شویم که گاهی واقعا حرفی برای گفتن ندارند یا نمونه کپی‌برداری شده ناقص از یك سبك و اثر خارجی هستند.

اتفاقی که نه تنها در دنیای تجسمی بلکه در فضاهای دیگری مثل تئاتر، کتاب‌ها و هر جایی که اسمی از هنر باشد، وجود دارد و مثل خوره به جان تك‌تك این بخش‌ها افتاده است. چرایی این مسأله دلایل زیادی می‌تواند داشته باشد، مواردی مثل خودنمایی با هنر، ادای روشنفکری را درآوردن، پول و ده‌ها عامل دیگری که هر چه باشد مانند یك ویروس در حال پخش شدن است. اشاعه‌ای که ادامه آن به نفع هنرمان هم نخواهد بود و کاش جدا از بحث فکر کردن روی ایده این کارها حداقل اگر کپی می‌کنید هم با آگاهی از آن و کامل انجامش دهید.

امروز چی داریم؟

دهباشی، ماتریکس و سندباد

دو گفت‌وگوی جذاب و مفصل و یك گزارش خواندنی از سینمای جهان، اصلی‌ترین مطالب امروز گروه فرهنگ و هنر است. در همین صفحه ۹ که مشغول خواندنش هستید، می‌توانید گفت‌وگوی جذاب و جنجالی‌مان را با حسین دهباشی بخوانید؛ گفت‌وگویی که مفصل است و ادامه اش هم به صفحه ۱۰ رسیده است. اما چه شده که رفتیم سراغ این روزنامه نگار و با او گفت‌وگویی چالشی انجام دادیم، خودش داستانی است. دهباشی روزنامه نگار و مستندساز ایرانی است که تجربه‌ای داشته مشابه آنچه امروز بر مرضیه هاشمی، مجری پرس‌تی‌وی می‌رود. هاشمی که آمریکایی است، حالا در سفر به این کشور بازداشت شده و روزگار خوبی را نمی‌گذراند. دهباشی هم هشت سال پیش در سفر به آمریکا با چنین اتفاقی روبه‌رو شده بود و همین موضوع بهانه‌ای شده تا با او درباره ساختار امنیتی و قضایی آمریکا و همچنین این تجربه اش گفت‌وگو کنیم. دهباشی در این گفت‌وگو به بررسی دوره خاصی که در آن بازداشت شده می‌پردازد و در کل گفت‌وگویی چالشی و جنجالی رقم خورده که امیدواریم از خواندنش لذت ببرید.

امروز در صفحه ۱۱ هم برایتان یك گفت‌وگوی خوب تدارك دیده‌ایم. ساناز قنبری، خبرنگار کاردرست گروه سینمایی رفته سراغ فیلم‌های سینمایی در حال اکران و از میان آنها سندباد و سارا را انتخاب کرده است. فیلمی در گونه کودکان که برگرفته از اسطوره‌های کهن ایرانی است و می‌تواند فرصت خوبی باشد برای خانواده‌ها تا بچه‌هایشان را به سینما ببرند. قنبری با غلامرضا آزادی کارگردان این فیلم درباره چرایی انتخاب این سوژه، شرایط اکران آن در زمانی که مدت کمی به برگزاری جشنواره فیلم فجر مانده و ... گفت‌وگو کرده است. این فیلم روایتگر ماجراهای کودکانه و برگرفته از داستان سندباد است؛ سندباد و سارا فیلمی فانتزی است که قطعا علاوه بر کودکان و نوجوانان، خانواده‌ها را نیز جذب خواهد کرد.

قصه این فیلم این‌گونه آغاز می‌شود که طی اتفاقاتی سندباد به ایران می‌رسد و در ایران دچار چالش‌های جالبی می‌شود که دیدنش پیشنهاد می‌شود.

شما هم از جمله افرادی بودید که ماتریکس را دوست داشتند و آن را دنبال می‌کردند؟ امروز در صفحه ۱۲ که به سینمای جهان اختصاص دارد، کیکاووس خان زیاری سراغ این فیلم رفته و حرف‌های تازه‌ای درباره آن زده است. او طبق معمول همیشه از سینمای هند هم غافل نشده و خبرهایی از بالیوود هم برایتان نوشته است.

همچنین اخباری از سینمای هالیوود و رویدادهای تازه آن در این صفحه منتشر شده است. امیدواریم از خواندن سینمای جهان مانند همیشه لذت ببرید.